

Iran's Criminal Policy Response to Crimes and Deviations in the Field of Education: Challenges and Solutions

ID

**Esmail Honary
Ghane**

Ph.D. Candidate, Department of Criminal Law and Criminology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
(Corresponding Author)
asmaylhny3@gmail.com

ID

Shahrdad Darabi

Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
shahrdad.darabi@yahoo.com

ID

**Mohammad
Rasoul Ahangaran**

Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Faculty of Theology, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran. ahangaran@ut.ac.ir



Abstract

Criminal and harmful behaviors in the field of education and training that violate the right to education necessitate a specific response from criminal policy. The primary question addressed in this study is: What is the response of Iran's criminal policy to crimes and deviations in the educational sphere, and what challenges does it face? Employing a library-based descriptive-analytical method, this research seeks to provide solutions to improve the implementation of the right to education in the Iranian legal system. The response of criminal policy to the violation of this right is categorized into criminal and non-criminal measures. Due to the dominance of the principle of minimalist criminal law in Iran's policy, criminal responses are limited, primarily relying on two offenses: "preventing education" and "violating the right to education"

Journal of Research and
Development in Criminal Law and
Criminology

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 2 | No. 4 | Fall 2025 and
Winter 2026
(Original Article)

<https://jclc.illrc.ac.ir>

DOI:
10.22034/jclc.2025.2056910.1175

pursuant to Article 570 of the Islamic Penal Code. The most significant administrative response is the annulment of regulations that conflict with the right to education, based on Article 30 of the Constitution and Article 12 of the Law on the Organization and Procedure of the Administrative Court of Justice. An examination of the challenges reveals that criminal sanctions are applied mainly to individuals who prevent children and adolescents from receiving education, while the criminal liability of legal entities and the State is often overlooked. This minimalist approach has led to impunity for many criminal and deviant behaviors, preventing full criminal protection. Furthermore, civil and administrative enforcement guarantees rely on general rules of civil liability, which presents significant obstacles; specifically, the impossibility of determining the exact type and amount of damage, the ambiguity regarding the perpetrators of the damage, and the often irreparable nature of losses caused by the violation of the right to education. It is suggested that the response to these phenomena be organized within the framework of a differentiated procedure for all types of crimes and deviations to fully realize the positive effects of education.

Keywords: Right to Education; Sentencing; Restorative Justice; State Crime.



پاسخ سیاست جنائی ایران در قبال جرایم و انحرافات حوزه‌ی تحصیل و آموزش چالش‌ها و راهکارها

دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی قم،
ایران (نویسنده مسئول)

asmaylhnry3@gmail.com

اسماعیل هنری قانع



دانشیار، گروه حقوق جزا جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی قم،
ایران

shahrdad.darabi@yahoo.com

شهرداد دارابی



استاد گروه فقه و مبانی حقوق، دانشکده الهیات، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم: ایران
ahangaran@ut.ac.ir

محمد رسول آهانگران



دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و
جرم‌شناسی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۲ | شماره ۴ | پاییز و زمستان ۱۴۰۴
(مقاله پژوهشی)

www.jclc.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/jclc.2025.2056910.1175

چکیده

رفتارهای مجرمانه و زیانبار در حوزه‌ی تحصیل و آموزش که موجب نقض این حق می‌گردد، واکنش سیاست جنائی را ضروری می‌سازد. سوال اصلی در این پژوهش این است که: واکنش سیاست جنائی ایران در قبال جرایم و انحرافات حوزه‌ی تحصیل و آموزش چیست؟ و چالش‌های آن کدام است؟ ما به دنبال پاسخ به این سوال با بهره‌گیری از نظرات اندیشمندان و نویسندگان در منابع کتابخانه‌ای در صدد ارائه‌ی راهکارهایی برای بهبود وضعیت اجرای حق تحصیل در نظام حقوقی ایران هستیم. واکنش سیاست کیفری به نقض حق تحصیل در قالب پاسخ‌های کیفری و غیرکیفری دسته‌بندی می‌گردد. به جهت حاکمیت اصل حداقلی حقوق جزا در سیاست جنائی ایران در این حوزه، دو جرم: ممانعت از تحصیل و نقض حق تحصیل مبتنی بر ماده ۵۷۰ ق.م.ا می‌تواند مبنای پاسخ کیفری قرار بگیرد. مهم‌ترین پاسخ اداری به این پدیده‌های مجرمانه که قالب ابطال مقررات معارض با حق آموزش و مبتنی بر اصل ۳۰

قانون اساسی و ماده‌ی ۱۲ قانون تشکیلات دیوان عدالت اداری قابل اجرا می‌باشد. بررسی چالش‌های این حوزه عمدتاً بیانگر آن است که: ضمانت اجرای کیفری عمدتاً نسبت به افرادی که مانع از تحصیل اطفال و نوجوانان هستند اعمال می‌شود و مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و دولت مطرح نیست. سیاست کیفری حداقلی در این حوزه سبب بی‌کیفرمانی بسیاری از رفتارهای مجرمانه و منحرفانه شده و حمایت کیفری به شکلی کامل محقق نشده است. ضمانت اجرای مدنی و اداری در حمایت از حق تحصیل و ابزارهای آن، متکی به قواعد عام مسئولیت مدنی می‌باشد؛ عدم امکان تعیین نوع و میزان زیان وارده، نامشخص بودن عاملان زیان و غیرقابل جبران بودن زیان‌های وارده به سبب نقض حق تحصیل را می‌توان به عنوان مهم‌ترین چالش‌ها در حوزه‌ی واکنش غیرکیفری به نقض حق تحصیل دانست. پیشنهاد می‌گردد واکنش به پدیده‌های مجرمانه در حوزه‌ی تحصیل و آموزش در قالب یک دادرسی افتراقی، نسبت به تمامی انواع جرایم و انحرافات جهت بهره‌مندی از آثار مثبت آموزش ساماندهی شود.

کلیدواژه‌ها: حق تحصیل، کیفرگزینی، عدالت ترمیمی، جرم دولتی.

مقدمه

به دنبال واکنش به پدیده‌ی مجرمانه و رفتار انحرافی به معنای اخص شامل کیفردهی مجرم است. پاسخ‌های غیرکیفری اعم از ضمانت اجراهای مدنی و اداری نیز مشمول تدابیر واکنشی قرار می‌گیرد. در نظریات جدید، شیوه‌ی نوین سیاست جنائی، سیاست جنائی ترکیبی است. جنبشی ضد تمرکز است که با تأکید بر پویایی و تکثر پاسخ‌های اتخاذی از جانب هیأت اجتماع در برابر بزهکاری، واضعان سیاست جنائی را در پهنه‌ی بزه‌انگاری، پاسخ‌گذاری و فرایند دادرسی به بدیل‌های تلفیقی رهنمون می‌سازد. (دارابی، ۱۳۹۹، ۶۹) پاسخ‌های واکنشی، اتخاذ مجازات‌ها و ضمانت‌اجراهای متناسبی است که علاوه بر تحقق عدالت موجب پیشگیری از وقوع جرایم می‌گردد.

«پاسخ واکنشی به جرم نخست در قالب بزه انگاری (جرم انگاری - تخلف انگاری) و ضمانت اجراگذاری (پاسخ گذاری) تعریف می‌شود که یکی از جلوه‌های آن، جرم انگاری و کیفر-گذاری در حوزه حقوق کیفری است» (دلماش مارتی، برگرداننده ابرندآبادی، ۱۴۰۲، ۴۵) از این رو بین جرم انگاری، تخلف انگاری با کیفر گزینی باید یک تناسب منطقی وجود داشته باشد.

در این مقاله به انواع پاسخ‌ها و تدابیر واکنشی در قبال جرایم و انحرافات علیه تحصیل و آموزش خواهیم پرداخت. پاسخ‌هایی که ضمانت‌اجراهای کیفری، مدنی و اداری هستند. این پاسخ‌ها برگرفته از واکنش حاکمیت (قوای تقنینی و اجرائی و...) به پدیده‌ی مجرمانه و انحرافی است که با هدف جبران زیان‌های ایجاد شده و پیشگیری از گسترش آثار جرم و تکرار آن وضع شده‌اند.

۱- پاسخ‌گذاری کیفری در حوزه‌ی تحصیل و چالش‌های آن

سیاست کیفری، موجد ضمانت اجراهای کیفری است؛ کیفر، پاسخی است از سوی حاکمیت و در قالب قانون؛ قوانین جزائی بیانگر جرایم و مجازات‌هایی هستند که در قبال تضییع حقوق افراد و اخلال در نظم اجتماعی وضع شده‌اند. نقض حق تحصیل، موجب ضایع شدن حق تعالی افراد و از بین رفتن آثار مثبتی است که در این حوزه برای اجتماع

وجود دارد فلذا پدیده‌های مجرمانه در این حوزه، با ضمانت اجرای کیفری پاسخ‌گذاری شده است.

در حال حاضر قواعدی که ضامن رعایت اصول و ضوابط کیفردهی هستند تا حدی اهمیت یافته‌اند و می‌توان از حق کیفر دیدن^۱ سخن گفت. (محمودی جانکی، ۱۳۹۹، ۲۳۵) برخی از جرائم وجود دارند که قانون‌گذار علیرغم گزینش مصالح و مفاصد مقابله با آن رفتارها، ضمانت اجرای کیفری را به عنوان آخرین حربه، ناگزیرانه پذیرفته است. حق تحصیل در زمره‌ی حقوق شهروندی است که معین‌کننده‌ی تکالیف دولت و برخی از افراد مانند سرپرستان اطفال و مسئولین حوزه‌ی آموزش است.

در قانون مجازات اسلامی، چه در قانون مصوب ۱۳۹۲ و چه در بخش‌تعلیمات مصوب ۱۳۷۵ نقض حق آموزش کودکان به معنای اهمال و سهل‌انگاری متولیان امر اعم از دولت و والدین در ایفای وظایف تربیتی خود، جرم‌انگاری نشده و در نتیجه ضمانت اجرای کیفری نیز برای آن تعیین نشده است. اما در برخی قوانین خاص آموزشی مانند «قانون تعلیمات عمومی و اجباری مصوب ۱۳۲۲»^۲ و نیز «قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیلی اطفال و جوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۲»^۳ مجازات‌هایی برای والدینی که به‌وظایف خود در قبال آموزش و تربیت کودک عمل نمی‌کنند، مقرر گردیده است:

^۱ - Right to be punished

^۲ - در ماده‌ی ۶ قانون تعلیمات عمومی و اجباری ۱۳۲۲ آمده است:

«هرگاه ولی طفل، در موعد مقرر، بدون داشتن عذر موجه طفل خود را برای تحصیل منظم به دبستان نسیپارد، علاوه بر اینکه مجبور است غفلت خود را جبران کند، به پرداخت ۱۰ ریال جریمه محکوم می‌گردد...»

^۳ - در ماده‌ی ۴ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیلی اطفال و جوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۳ چنین آمده است: «هریک از پدر یا مادریا سرپرست قانونی کودک و نوجوان کمتر از هیجده سال که قانوناً مسئول پرداخت مخارج زندگی او می‌باشد و با داشتن امکانات مالی از تهیه‌ی وسایل و موجبات تحصیل کودک یا نوجوان واجد شرایط تحصیل مشمول این قانون در محلی که موجبات تحصیل دوره‌های مربوط از طرف وزارت آموزش و پرورش فراهم شده باشد، امتناع کند یا به نحوی از انحاء از تحصیل او جلوگیری نماید، به حکم مراجع قضایی که خارج از نوبت رسیدگی می‌کنند، به جزای نقدی از ده هزار ریال تا دویست هزار ریال و به انجام تکالیف فوق نسبت به کودک یا نوجوان محکوم خواهد شد. هرگاه پس از ابلاغ حکم پدر یا مادر یا سرپرست به تکلیف مقرر در حکم دادگاه اقدام ننماید یا پس از اجرای حکم مجدداً کودک یا نوجوان را از تحصیل بازدارد، به حبس جنحه‌ای از یک تا سه سال و تأمین هزینه‌ی معاش و تحصیل کودک یا نوجوان خود محکوم خواهد شد.»

بند ج ماده ۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۲۳/۲/۱۳۹۹ بازماندن طفل و نوجوان از تحصیل را مصداق وضعیت مخاطره آمیز و توجیه کننده مداخله قانونی دانسته است. همچنین بند ج ماده ۶، وزارت آموزش و پرورش را موظف به شناسایی و معرفی کودکان و نوجوانان منع شده یا بازمانده از تحصیل می‌کند ماده ۷ و تبصره آن نیز علاوه بر جرم انگاری ممانعت از تحصیل کودکان و نوجوانان تا پایان دوره متوسطه و تعیین مجازات برای آن در صورت تکرار این ممانعت، مجازات شدیدتری از نوع تعزیری درجه ۶ را پیش-بینی می‌کند که به نظر می‌رسد این اقدام بازدارندگی خوبی برای تکرار نشدن ممانعت فراهم می‌کند در ماده ۸ این قانون فراهم کردن موجبات ترک تحصیل یا فرار از مدرسه را نیز جرم دانسته و مجازاتی از نوع تعزیری درجه ۶ برای آن پیش‌بینی کرده است. (علیشاهی و سایرین، ۱۴۰۱، ۷۵) در قلمرو سیاست جنائی ایران از رهگذر قانون مذکور و آیین نامه مربوط به آن اصولی پیش‌بینی شده است که برای حمایت از اطفال و نوجوانان دارای تکلیف‌های پیشگیرانه می‌باشد. این وظیفه‌ها در یافته‌های پیشگیری رشدمدارانه و حق بر سلامت جسم و رشد آنان بنیان دارد. (خواجه نوری و نیازپور، ۱۴۰۳، ۱۵۳) با این حال اجرای این قوانین نقشی مهم در تحقق هدف قانون‌گذار دارد.

در کنار ممانعت از حق تحصیل، دسته‌ی دیگر از رفتارها وجود دارد که هر چند مانع بر خورداری از حق تحصیل نیستند ولی به طرق مختلف این حق را محدود می‌کنند و سبب زیان‌هایی مستقیم به حوزه‌ی آموزش می‌شوند مانند تقلب در تهیه‌ی آثار علمی، نقض عدالت تحصیلی، نقض آزادی در تحصیل و... این پدیده‌های مجرمانه می‌تواند منجر به پاسخ‌های کیفری شود. برخی از حقوق فردی به مانند حق بر حریم خصوصی، حق مالکیت و... با پاسخ‌های کیفری شدیدی مواجه هستند ولی به نظر می‌رسد در خصوص تحصیل، این رویکرد در سیاست جنائی ایران وجود نداشته باشد.

ذیلاً به مهم‌ترین چالش‌های حاکم بر کیفرگزینی سیاست جنائی ایران در قبال جرایم و انحرافات در حوزه‌ی تحصیل اشاره خواهد شد:

۱-۱- عدم تناسب پاسخ‌های کیفری با آثار زیانبار نقض حق تحصیل

نظام کیفردهی متناسب را نظام مجازات معین و ثابت نیز می‌نامند. ارتباط میان شدت جرم ارتكابی، میزان لطمه و قابلیت سرزنش متهم و شدت کیفر، محور اصلی بحث الگوی تعیین

مجازات بر اساس استحقاق است (رحمدل، ۱۳۹۴، ۶۶). نقض حق تحصیل، موجب زیان به حقوق فردی اعضای جامعه است؛ افراد اجتماع برای برخورداری از امکانات پیشرفت و تعالی، کسب ثروت، ترقی اجتماعی و به طور کلی برای برخورداری از هرگونه منفعت مالی و اجتماعی، نیاز به برخورداری از حق تحصیل دارند.

افراد بدون داشتن فرصت آموختن، به طور قطع از بخت کمتر برای گسترش استعدادها، توانایی‌های مادی و معنوی برخوردار خواهند بود (گرچی، ۱۳۹۷، ۵۱۰). نقض حق تحصیل، صرفاً محروم ساختن یک فرد از آموزش و یادگیری نیست؛ تمام دوران زندگی یک شخص، تمام مهارت‌های او، تسلط او بر محیط اجتماعی و طبیعی و تمام توان بالفعل یک فرد وابسته به آموخته‌های اوست. با افزایش سطح آموزش، احتمال وقوع فقر هم در خانوارهای شهری و هم در خانوارهای روستایی ایران کاهش می‌یابد. (کاشی و جاویدی، ۱۳۹۱، ۱۰۲) بنابراین وقتی از نقض حق تحصیل سخن می‌گوئیم، به محرومیت این شخص از تمامی این امتیازات اشاره می‌کنیم.

در مجازات‌هایی که در سیاست جنائی ایران نسبت به نقض حق تحصیل تعیین شده است، تناسب با در نظر گرفتن آثار آن لحاظ نشده است. جزای نقدی برای افرادی که عمری را از فرد محروم از تحصیل، تلف نموده‌اند، نادیده گرفتن آثار زیانبار این رفتارها می‌باشد. اصولاً می‌توان از بی‌کیفرمانی در این حوزه سخن گفت، مضافاً بر اینکه جرم‌انگاری کامل و جامعی نیز صورت نگرفته است.

۲-۱- عدم توجه به اصل فردی کردن مجازات‌ها در حوزه‌ی جرایم حق تحصیل

فردی کردن مجازات در حقوق عرفی، محصول توجه قانون‌گذاران به شخصیت مجرم و از دستاوردهای اواخر قرن نوزدهم می‌باشد. به موجب این اصل مجازات باید بر شخصیت مجرم و شرایط ارتكابی جرم وی منطبق باشد. (فروتن و امام، ۱۴۰۰، ۶۷) ناقضان حق تحصیل، به جهت شخصیت حقیقی و حقوقی خود، از جهت استحقاق کیفرهای خاص، دارای تفاوت‌هایی هستند. ناقضان حق تحصیل در چند گروه قرار می‌گیرند:

گروه اول: والدین و سرپرستان اطفال و نوجوانان که با منع از تحصیل این گروه‌های سنی مرتکب جرم می‌شوند. گروه دوم: افرادی که متولی حق تحصیل هستند. به شکل مستقیم

و غیرمستقیم در نقض این حق مداخله دارند. نقض عدالت آموزشی، تجاری سازی آموزش و پرورش، آموزش و تحصیل محتوی مجرمانه یا استفاده از ابزارهای مجرمانه در تحصیل در نهایت تقلب در حوزه‌ی آموزش و تحصیل. گروه سوم: دولت و نهادهای دولتی است که شامل آموزش و پرورش، بهزیستی و دیگر دستگاه‌های اجرایی هستند که در این زمینه دارای تکالیف قانونی می‌باشند.

گروه اول مرتکبان، با بزه‌دیده روابط خانوادگی دارند، گروه دوم متولیان فرهنگ و آموزش در کشور هستند و گروه سوم حاکمیت است که از رفتار آن با عنوان جرم دولتی^۱ تعبیر شده است. (غلامی، ۱۴۰۱، ۲۳۷). پاسخ به جرایم دولتی از منظر نوع و ماهیت پاسخ به پاسخ-های حقوقی، سیاسی، اجتماعی و سازمانی قابل طبقه بندی هستند. (غلامی، ۱۳۹۸، ۱۸۴)

با توجه به این تنوع در افراد و گروه‌هایی که مرتکب عنوان مجرمانه در این حوزه هستند، توسل به اصل فردی کردن مجازات و گزینش کیفرهای متناسب با حقوق فردی و شخصی افراد، ضروری است.

۳-۱- عدم جامعیت نظام کیفر دهی در جرایم حوزه ی تحصیل

در رابطه با کیفردهی الگوهای مختلفی وجود دارد. به طور خاص چهار نوع متفاوت از الگوی کیفردهی وجود دارد؛ کیفردهی نامعین، کیفردهی معین، کیفردهی مفروض یا مبتنی بر رهنمودهای تعیین مجازات و کیفردهی الزامی (مهرا و سایرین، ۱۳۹۶، ۱۰۵). نقض حق تحصیل، جرمی است که عنوان واحد مجرمانه‌ای نمی‌توان برای آن در نظر گرفت. عناوین متعدد نیز پیش‌بینی نشده و انحرافات نیز در این حوزه از تعریف خاصی برخوردار نیستند.

سیاست جنائی ایران در نقض حق تحصیل، مجازات مشخص، متناسب و بازدارنده‌ای پیش‌بینی نکرده است. رفتارهای ناقض این حق به شکلی جامع در یک مجموعه‌ی قوانین جرم‌انگاری نشده است، تشتت آرا و تعارض در احکام صادره مشهود است. آرای صادره از

^۱ - State Crime

محاكم که عمدتاً بر منع تعقیب رفتارهای ناقض حق تحصیل به جهت جرم نبودن عمل وجود دارد بیانگر این مسئله است که تا چه اندازه در این حوزه، نقص در تقنین دیده می‌شود.

در رابطه با جرم‌انگاری نقض حق تحصیل می‌توان به ماده‌ی ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی نیز تصریح کرد؛ ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی از آن جهت که در حمایت از حقوق و آزادی‌های مقرر در قانون اساسی یک ماده عام با گستره زیاد است، دارای اهمیت بسیاری می‌باشد. (مظهری، جنگجوی و ناصری، ۱۳۹۴، ۳۳) این ماده برای «مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی» در قبال نقض حقوق مقرر در قانون اساسی از جمله نقض حق تحصیل مبتنی بر اصل سی‌ام قانون اساسی، در دو جلوه‌ی فعل و ترک فعل جرم‌انگاری نموده است. رفتار مرتکب از طریق فعل می‌تواند مبتنی بر نقض صریح حقوق و آزادی‌ها باشد و گاه نیز از طریق طراحی سامانه نظام‌مندی است که به نقض حقوق و آزادی‌های عمومی می‌انجامد. در شکل ترک فعل ممکن است صریحاً حقوق و یا آزادی‌هایی که متضمن حمایت مقامات و یا ماموران دولتی است مورد نقض قرار گیرد بدین ترتیب که این کارگزاران دولتی دست به ترک فعل در حمایت از حقوق و آزادی‌های عمومی می‌زنند. بعلاوه ممکن است در مواردی با سوءاستفاده مجرمانه از صلاحیت تشخیصی زمینه نقض حقوق و آزادی‌های شهروندان فراهم آید. (توسلی و قاسمی، ۱۳۹۲، ۱۹۸)

۱-۴- ترمیمی نبودن پاسخ‌های کیفری به جرایم حوزه‌ی تحصیل

یکی از گونه‌های فرعی و متداول کیفردهی، تصمیم به جبران خسارت است؛ تصمیم دادگاه در صدور حکم به جبران خسارت نسبت به محکومیت به جزای نقدی یا هر مجازات مالی دیگری اولویت دارد. در برخی از جرائم قانون‌گذار تکلیف خسارات وارده بر بزه دیده را مشخص کرده است. قاضی مکلف است هنگام صدور رأی تکلیف خسارت وارده به بزه دیده را مشخص نماید (مهرا و سایرین، ۱۳۹۶، ۱۳۵). نقض حق تحصیل، نقض یکی از حقوق بشری است که خود ابزاری است برای دستیابی به تحولات و پیشرفت‌های اجتماعی و فرهنگی؛ واکنش به رفتارهای مجرمانه در این حوزه باید به گونه‌ای تعیین گردد که بتواند واجد خصوصیت ترمیمی بوده و سودمند به حال جامعه و افراد ذی حق باشد. با

این حال واکنش کیفری به این رفتارهای مجرمانه، سودمندی لازم برای احقاق حقوق بزه- دیده را ندارد و تاثیری در بازگرداندن وضعیت به حالت سابق ندارد. البته عدم سودمندی و کارایی واکنش‌های کیفری به نقض حق تحصیل، به جهت ماهیت این قبیل از حقوق است که امکان جبران و ترمیم وضعیت پیشین تقریباً غیرممکن است ولی به هر حال باید واکنش به گونه‌ای سریع و به موقع رخ دهد که بتواند از این میزان تاثیرگذاری برخوردار باشد.

شاخص کارایی و مؤثر بودن کیفر، زمینه تحقق اهداف آن را فراهم می‌آورد. در صورتی نهاد مجازات تأثیر بسزایی خواهد داشت که حافظ هنجارهای مورد پذیرش اجتماع باشد. (حکمت نیا، ۱۳۸۸، ۳۴۷) با گزینش روش‌های کارآمدتر، به هدف جرم‌انگاری مطلوب و استاندارد دست خواهیم یافت. امنیت حوزه‌ی آموزش و حوزه‌ی تحصیل ایجاب می‌کند که در جرم‌انگاری رفتارها در این قلمرو، اصل سودمندی را با دقت مورد توجه قرار دهیم. در تفاوت اصل سودمندی و اصل کارایی گفته شده است: سودمندی به سنجش منافع حاصل از کیفردهی و هزینه‌های ناشی از آن می‌پردازد (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۵، ۱۴۲) و اما در معیار کارایی، ارزیابی میزان بازدارندگی کیفر و ضمانت اجرای پیش‌بینی شده برای آن موردنظر قرار می‌گیرد. در سنجش این هزینه‌ها در جرایم حوزه‌ی تحصیل، آنچه بیش از کاهش هزینه‌های اقتصادی برای دولت و جامعه مطرح است، پیشگیری از تزلزل فرهنگی است، نتیجه‌ای که اگر حادث شود، با هیچ هزینه‌ای قابل ترمیم و جبران نیست. (اعزازی و سایرین، ۱۴۰۱، ۶۷)

ننگ بی‌سوادی در جامعه و آسیب‌های که در این حوزه وارد می‌شود، همگی عواملی هستند که موجب می‌شود مجازات‌ها و واکنش‌های کیفری حوزه‌ی جرایم آموزشی، ناکارآمد و غیرسودمند باشند. مجازات‌هایی مانند تأمین امکانات تحصیل برای بازماندگان، آموزش در مناطق دورافتاده، تحصیل برای شخص بزه‌کار در سنین بالاتر از سن تحصیل و هر گونه اقدام و تدبیری که بتوان بر اساس آن تحصیل را در اجتماع برای بازماندگان مستقر ساخت، ضروری است.

۱-۵- حد اقلی بودن پاسخ‌های کیفری به جرایم حوزه‌ی تحصیل

اصل حد اقل‌سازی به عنوان راه‌حل مناسبی جهت مدیریت فرایند پیشگیری، کنترل و مبارزه با جرم و فاعل آن از طریق گزاره‌های حذف عوامل افزایش جمعیت کیفری و

گسترش جرم‌زدایی و ارائه تدابیر پیشگیری جرم و صورت‌سازی مجدد نظام کیفری از طریق گسترش کیفرزدایی و قضازدایی گامی مثبت محسوب می‌شود. (جعفری و سایرین، ۱۴۰۱، ۹۶)

با این حال برخی معتقدند رفتارهای علیه آموزش قابل پاسخ‌دهی با تضمین‌های کیفری است. (محمودی جانکی و طاهری، ۱۳۹۹، ۸۱) اصل حداقلی بودن جرم‌انگاری در حوزه آموزش مانع از آن است تا کلیه رفتارهای مضر در این حوزه را جرم‌انگاری و یا با پاسخ کیفری مواجه نماییم. فلذا صرفاً رفتارهایی را باید با ضمانت اجرای کیفری مواجه ساخت که آثار سوء ناشی از آن برای حق تحصیل ایجاب می‌کند که اصل حداقلی بودن را نادیده بگیریم.

۲- پاسخ‌های غیرکیفری

اگر تنها داشته‌ی نظام عدالت کیفری، ضمانت‌اجراهایی مانند حبس، جزای نقدی و تازیانه باشد، کامیابی و سعادت به همراه نخواهد داشت. (اعزازی و سایرین، ۱۴۰۱، ۵۴) برقراری حق تحصیل با سرکوب و ابزارهای قهری امکان‌پذیر نیست. ضمانت‌اجراهای غیر کیفری بسیار ضروری و راهگشا است چرا که مسیر دادرسی کیفری را نخواهد داشت و نیز ساحت مریبان و والدین و دیگر مسئولان در حوزه‌ی تحصیل را با برچسب‌های مجرمانه، آلوده نخواهد کرد. پاسخ‌های واکنشی غیرکیفری در این حوزه شامل ضمانت‌اجراهای اداری و مدنی هستند.

۲-۱- پاسخ‌های اداری

ممکن است نقض حق آموزش در محیط ادارات صورت گیرد و از ناحیه‌ی کارمندان دولت و سازمان‌های وابسته به دولت محقق شود؛ تحقق تخلفات و جرایم کارکنان دولت منوط به تحقق شرایطی زیر است: ۱- وجود رابطه‌ی استخدامی بین دولت و کارمند؛ ۲- دولتی بودن سازمان متبوع؛ ۳- وقوع جرم و تخلف در راستای وظایف شغلی (شکوهی و سایرین، ۱۳۹۹، ۳۳). در این صورت علاوه بر مسئولیت‌های کیفری و مدنی، قاعدتاً بایستی

تنبیهات اداری و انضباطی نیز نسبت به شخص ناقض حق اعمال شود؛ تکالیف و تعهداتی به موجب مسئولیت شغلی و اداری متوجه سازمان‌ها و متولیان حق آموزش کودک در محیط‌های اداری می‌شود و آنها موظف‌اند این تکالیف و وظایف را در راستای برقراری حق آموزش کودک اجرا نمایند؛

۲-۱-۱- تخلفات و جرایم کارکنان دولت در نقض حق تحصیل

تخلفات و رفتارهای انحرافی که در حوزه‌ی حق تحصیل وجود دارد، در سیاست جنائی ایران در قالب قانون رسیدگی به تخلفات اداری و همچنین آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها به واحدهای اداری این حوزه ابلاغ شده است. آموزش و پرورش، سازمان بهزیستی، آموزش عالی، حوزه‌های علمیه، معاونت پیشگیری از جرم قوه‌ی قضائیه و دیگر ارگان‌هایی که به شکل مستقیم و غیرمستقیم با این مسئله درگیر هستند را می‌توان به عنوان مخاطبان این دستورات در نظر گرفت.

مهمترین این تخلفات عبارتند از:

۱. اعلام قبولی فراگیران بدون استحقاق قبولی
 ۲. جعل مدرک تحصیلی
 ۳. ارائه مدرک جعلی به مراجع مربوطه جهت استفاده از مزایای مربوطه
 ۴. افشای سوالات امتحانی
 ۵. تنبیه بدنی دانش‌آموز
 ۶. اخراج دانش‌آموز از مدرسه بدون مجوز
 ۷. فروش سوالات امتحانی
 ۸. طرح مطالب انحرافی در کلاس به منظور ایجاد شبهه دینی در دانش‌آموزان
 ۹. به کارگیری نیروی آزاد و گزینش نشده
- و (غفاریان و ساسانی، ۱۳۹۷، ۵۷)

تخلفات و جرایم یاد شده عمدتاً هنجارگذاری در حوزه‌ی صرف ادارات آموزش و پرورش است. یکی از مهمترین چالش‌ها در سیاست جنائی ایران، مربوط به این موضوع است که

سایر نهادها و افراد دخیل در امر تحصیل و آموزش را شامل نمی‌شود و جامعیت لازم را در این خصوص ندارد.

یکی از موارد مهم در نظام حقوقی ایران در خصوص اعمال مجازات نسبت به کارکنان دولت و مقامات، ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی است که پیش‌تر بیان شد؛ محرومیت از حق تحصیل در این ماده از دو طریق قابل تحقق می‌باشد: ۱- اعمال و تصمیمات انفرادی و موردی، ۲- اعمال و تصمیمات عام‌الشمول که ممکن است در دیوان عدالت اداری و نیز در محاکم کیفری رسیدگی شود. (الهام و دربین، ۱۴۰۲، ۱۷۶۵) در رویه‌ی قضائی این موضوع به نحوی بررسی شده است که نشان می‌دهد قضات محاکم کیفری بر مبنای تشخیص خود نسبت به غیرقانونی بودن مقرره‌ی وع شده اقدام به اعمال ضمانت اجرای مقرر در ماده ۵۷۰ نموده‌اند که البته محل ایراد است. (الهام و دربین، ۱۴۰۲، ۱۷۸۰) به نظر می‌رسد که اعمال ضمانت اجرا نسبت به مقامات و ماموران صرفاً از جنبه‌ی مجازات-های تعیین شده مشمول ماده ۵۷۰ خواهد بود و ابطال مصوبات مغایر با این قانون به عنوان ضمانت اجرای اداری مطرح خواهد شد.

۲-۱-۲- پاسخ‌های اداری در قبال نقض حق تحصیل و آموزش

ضمانت اجرای اداری، واکنش و عکس‌العمل نظام اداری در قالب قوانین و مقررات خاص اداری به تخلف یا تخلفات کارگزاران و ماموران دولتی می‌باشد. (درویشی و زینالی، ۱۳۹۳، ۴۵) در حال حاضر ضمانت اجرای اداری متناسبی در مقررات به چشم نمی‌خورد؛ از جهت مراجع رسیدگی کننده واحدها و ادارات مختلف اجرایی، نظارت، پیگیری و بازرسی و رسیدگی اداری به شکایات مردمی در واحدهای مختلف قوه مجریه مانند نظارت اجرایی بر عملکرد کارکنان قوه مجریه شامل کارکنان وزارت آموزش و پرورش و کارکنان آموزشی را بر عهده دارند. تعدادی از این واحدها عبارتند از: گروه بازرسی دفتر مقام رهبری، دفتر بازرسی ویژه نهاد ریاست جمهوری، اداره کل ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات وزارت آموزش و پرورش و

پاسخ‌های که به این تخلفات داده می‌شود در ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲ بیان شده است.^۱ عمده‌ی این واکنش‌های اداری به عنوان یک پاسخ در مقابل اقدام کارکنان دولتی محسوب می‌شوند. ضمانت اجراهای اداری و پاسخ‌هایی که قوانین حوزه‌ی تخلفات کارکنان دولت به هنجارگذاری در حوزه‌ی حق تحصیل اختصاص داده‌اند، عمدتاً بر مبنای مجازات شخص مرتکب است و نشانی از جبران زیان و خسارت وارده به فرد و اجتماع در این پاسخ‌ها دیده نمی‌شود. پاسخ‌های اداری نشانی از عدالت ترمیمی ندارد به نظر می‌رسد که قانون‌گذار در واکنش به این تخلفات، صرفاً به اهداف خاصی نظر داشته است، این اهداف معطوف به بازدارندگی و ارباب بوده است و نیز نوعی اجرای عدالت را مد نظر دارد. از همین روی در مبحث بعدی به ضمانت‌اجراهای مدنی و پاسخ‌های جبرانی اشاره خواهیم کرد که در این

۱ - ماده ۹ - تنبیهات اداری به ترتیب زیر عبارتند از:

الف - اخطار کتبی بدون درج در پرونده استخدامی.

ب - توبیخ کتبی با درج در پرونده استخدامی.

ج - کسر حقوق و فوق‌العاده شغل یا عناوین مشابه حداکثر تا یک سوم از یک ماه تا یک سال.

د - انفصال موقت از یک ماه تا یک سال.

ه - تغییر محل جغرافیایی خدمت به مدت یک تا پنج سال.

و - تنزل مقام و یا محرومیت از انتصاب به پستهای حساس و مدیریتی در دستگاه‌های دولتی و دستگاه‌های مشمول این قانون.

ز - تنزل یک یا دو گروه و یا تعویق در اعطای یک یا دو گروه به مدت یک یا دو سال.

ح - بازخرید خدمت در صورت داشتن کمتر از ۲۰ سال سابقه خدمت دولتی در مورد مستخدمین زن و کمتر از ۲۵ سال سابقه خدمت دولتی در مورد مستخدمین مرد با پرداخت ۳۰ تا ۴۵ روز حقوق مبنای مربوط در قبال هر سال خدمت به تشخیص هیأت صادرکننده رأی.

ط - بازنشستگی در صورت داشتن بیش از بیست سال سابقه خدمت دولتی برای مستخدمین زن و بیش از ۲۵ سال سابقه خدمت دولتی برای مستخدمین مرد بر اساس سنوات خدمت دولتی با تقلیل یک یا دو گروه.

ی - اخراج از دستگاه متبوع.

ع.

ک - انفصال دائم از خدمات دولتی و دستگاه‌های مشمول این قانون.

حوزه وجود دارد. پاسخ‌های که می‌تواند مبتنی بر قواعد مسئولیت مدنی باشد و جبران‌کننده‌ی زیان‌های وارده محسوب گردد.

یکی دیگر از مهم‌ترین ضمانت‌اجراهای قابل اعمال نسبت به مقررات معارض با اجرایی‌سازی حق تحصیل، ابطال اینگونه از مصوبات به استناد اصل ۱۷۳ قانون اساسی و مواد ۱۲ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری می‌باشد. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در این موارد صرفاً اقدام به ابطال مقررات اجرایی می‌کند و اعمال ضمانت اجرای مدنی و جبران خسارت نیز بر همین اساس امکان‌پذیر است. (الهام و دربین، ۱۴۰۲، ۱۷۶۵) بنابراین در این خصوص وجود مقررات معارض با حق آموزش و تحصیل و احراز این مسئله از سوی دیوان می‌تواند منجر به اجرای ضمانت اجرای مذکور گردد.

۲-۲- ضمانت اجرای مدنی

حق تحصیل از جمله حقوق اجتماعی است که به جهت خسارت‌های ایجاد شده‌ی ناشی از نقض آن، می‌تواند در حوزه‌ی مسئولیت مدنی قابلیت پاسخ‌گذاری داشته باشد. مسئولان جبران زیان در اجرای این حق عبارتند از: اولیاء و سرپرستان صغار و متولیان آموزش که شامل اشخاص حقیقی و حقوقی دولتی و غیردولتی است. با توجه به عاملان این خسارات، ضمانت‌اجراهای مدنی خاصی تعیین شده است که به آن‌ها اشاره می‌شود:

۲-۲-۱- سلب حضانت از پدر و مادر

از لحاظ حقوقی، حضانت، شامل نگهداری طفل از جهت پرورش جسمی وی، به همراه رشد معنوی و اخلاقی و فراهم آوردن امکانات لازم برای تربیت اوست؛ نگهداری از جسم طفل عملاً ملازمه با تربیت دارد. حضانت عبارت است از اقتداری است که قانون به منظور تربیت اطفال به پدر و مادر آنان اعطا کرده است. (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ۲۸۵) تربیت طفل عبارت است از آموختن آداب اجتماعی که بعداً بتواند با به دست آوردن عایدات کافی زندگی خود را مدیریت نماید. (امامی، ۱۳۹۴، ۳۹۰) یکی از نویسندگان حقوقی نیز

حضانت را این چنین تعریف کرده است: حق و تکلیفی است برای والدین در نگهداری و مراقبت و تربیت طفل خویش. (بیگدلی، ۱۳۹۰، ۳)

در همین ارتباط در ماده‌ی ۱۱۷۸ قانون مدنی آمده است: ابوین مکلف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش بر حسب مقتضی اقدام کنند و نباید آنها را مهمل بگذارند.» این مسئولیت و تکلیف به عنوان یک تکلیف کلی است که شامل اعمال حق تحصیل نیز خواهد شد. درباره‌ی ضمانت اجرای مدنی و مسئولیت ناشی از تخلف پدر و مادر، قانون حکمی ندارد؛ با این حال قواعد مسئولیت مدنی در این موارد جاری خواهد شد.

ماده‌ی ۱۱۷۳ به دادگاه اجازه داده است که، هرگاه صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در اثر عدم مواظبت و ناشایستگی آنان به خطر افتد، حضانت را به قیم بسپارد، بنابراین اولین ضمانت اجرای مدنی در حمایت از حق تحصیل که البته در حمایت از این حق و صرفاً در توجه به گروه‌های خاصی از افراد جامعه یعنی کودکان می‌باشد، سلب حق حضانت از والدین نسبت به فرزندان خویش می‌باشد.

در همین راستا برخی از نویسندگان معتقدند که ضمانت اجرای تکلیف پدر و مادر به اعمال حق تحصیل، به حرمان از موهبت الهی، محدود نمی‌شود؛ آنان نیز، مانند سایر مکلفان، نسبت به آثار بی‌مبالاتی و خودداری از انجام دادن تکلیف مسئولیت مدنی دارند؛ پس اگر کودک خود را مهمل گذارند یا در تربیت او کوتاهی نمایند و بدین واسطه خسارتی به دیگران وارد شود، بایستی از عهده‌ی خسارات آن برآیند هم‌چنان که در مواد ۱ و ۷ قانون مسئولیت مدنی اشاره شده است. (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۱۶۳)

از مصادیق اهمال در حضانت که هم به شکل ایجابی و سلبی به وقوع می‌پیوندد، محروم نمودن طفل از حق تحصیل است. در این نوع رفتار، حاضن به دلایل مختلفی از ثبت نام کودک در مدارس امتناع می‌ورزد یا با تهدید و تشویق، سبب فرار وی از مدرسه و خانه می‌گردد یا به هر نحوی موجبات ترک تحصیل محضون را فراهم می‌آورد. (سیفی و اسلامی نیا، ۱۳۹۸، ۴۱)

مطابق دادنامه‌ی شماره‌ی: ۱۴۰۳۱۰۳۹۰۰۰۵۷۷۴۵۳ مورخه ۲۰ / ۰۴ / ۱۴۰۳ صادره از شعبه‌ی ۵ دادگاه تجدیدنظر ایلام، در خصوص تقاضای سلب حضانت از پدر به جهات مختلف که یکی از آن‌ها نقض حق بر آموزش بوده است، دادگاه طی دادنامه‌ی الصداری به این موضوع اشاره کرده است و بیان می‌دارد نقض حق بر آموزش مبنای سلب حضانت می‌باشد^۱. دادگاه الزام به اعمال حق تحصیل را در شرایط یاد شده به جهت عدم توانائی یا کفایت صاحب حق حضانت مورد حکم قرار نداده است چرا که حق تحصیل مسئله‌ای است مستمر و الزام به اجرای این حق نیاز به نظارت مستمر دستگاه قضائی دارد و از سوی دیگر امکان هر گونه کوتاهی در اجرای این حکم نیز قابل تصور است.

۲-۲-۲- مسئولیت مدنی و جبران خسارات ناشی از نقض حق تحصیل

درباره مفهوم مسئولیت مدنی^۲ برخی بر این عقیده‌اند در هر مورد اگر کسی موظف به جبران خسارت دیگری است، در برابر او مسئولیت مدنی دارد (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۴۸). و برخی نیز آن را عبارت از مسئولیت شخص در برابر خسارتی که آن شخص یا شیء تحت

۱- «... ماده ۱۱۷۳ اصلاحی ۸۲ قانون مدنی از جمله موارد سلب حضانت را از والدی که کودک تحت حضانت اوست عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی والد منجر به خطر افتادن سلامت اخلاقی طفل اعلام که مجموعاً با توضیحات مددکار اجتماعی، شرایط سن کودک که پسر ۸ ساله و مشغول به تحصیل و در حال طی دوره مهم تربیتی اخلاقی می‌باشد و هرگونه خلل به تحصیل وی در این ایام به موجب کنوانسیون مذکور نقض آشکار حق بر آموزش، تحصیل و حق بر امنیت روانی اوست که به عنوان یک حق بنیادین ممنوع و غیرقابل مسامحه است بر همین اساس و با تکیه بر مستندات ذکر شده از جمله تغییر مدرسه کودک به جهت ترک تحصیل و امتناع وی از حضور در مدرسه، مقاومت در حضور مامورین کلاتتری جهت استرداد به پدر و اعلام نظر پزشکی قانونی مبنی بر اینکه هر چند از حیث روانشناسی زوجین دارای سلامت روان می‌باشند لیکن در خصوص زندگی با پدر دارای علائم اضطرابی شده و نیازمند درمان دارویی است. و تحقیقات اخیر از معلمان مدرسه کودک حکایت از بهبود تحصیل وی در این ایام و ادامه جلسات روانشناختی و درمانی او دارد.»

النهاییه هیات قضات دادگاه تجدید نظر خواهی را وارد و ثابت دانسته ضمن پذیرش اعتراض مستندا به مواد فوق و ماده ۳۴۸ و ۳۵۸ قانون این‌دادرسی مدنی ۷۹، ماده ۱۱۷۳ و ۱۱۶۸ اصلاحی ۸۲ قانون مدنی، مواد ۱۲ و ۱۳ قانون حمایت خانواده، ماده ۹ و ۲۰ کنوانسیون حقوق کودک دادنامه تجدید نظر خواسته را نقض و حکم به لغو حضانت فرزند مشترک ن.ر.ا... توسط پدر و حضانت مادر تا باقی بودن شرایط پرونده را صادر و اعلام می‌نماید. این رای قطعی است.»

2- responsibility

حراست وی به دیگران وارد می‌کند و همچنین مسئولیت شخص بر اثر تخلف از انجام تعهدات قراردادی تعریف نموده‌اند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۴، ۱۷۳)

نقض حق تحصیل آسیب‌ها و زیان‌های فراوانی برای صاحبان این حق و نیز برای اجتماع به دنبال دارد؛ چه منافع و امتیازاتی که از دسترس افراد مشمول این حق خارج نمی‌شود و چه محرومیت‌هایی که شامل آن‌ها نمی‌شود. این زیان، خسارتی است به تمامی حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زندگی افراد محروم از تحصیل که لازم است بر اساس مبانی مسئولیت مدنی، جبران مناسبی برای آن در نظر گرفته شود.

برای بررسی مسئولیت مدنی در جبران نقض حق تحصیل، ضروری است ارکان مسئولیت مدنی در نقض حق مذکور، بررسی گردد: فعل زیانبار، ورود ضرر و وجود رابطه‌ی سببیت.

۲-۲-۱- فعل زیانبار

منظور از فعل زیانبار در این نوع از مسئولیت، فعل یا ترك فعلی است که قانوناً عنوان نقض حق تحصیل را شامل می‌گردد، که به استناد مواد قانونی شامل این رفتارها می‌گردد:

- ۱- ثبت‌نام نکردن کودکان به موجب مواد ۵ و ۶ از قانون آموزش و پرورش عمومی و اجباری ۱۳۲۲ و قانون اصلاح آن ۱۳۵۰.
- ۲- فراهم نکردن وسایل تحصیل طفل و نوجوان در صورت وجود تمکن مالی به موجب قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان ۱۳۵۳ در خصوص اشخاص کمتر از ۱۸ سال، به موجب مواد ۳ و ۴.
- ۳- عدم تهیه‌ی وسایل و امکانات تحصیل مطابق ماده ۷ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹.
- ۴- تهدید، تشویق یا ترغیب نوجوان به فرار از مدرسه یا منزل یا ترك تحصیل نماید و یا فریب و یا فراهم کردن موجبات و یا تسهیلات فرار یا ترك تحصیل وی در صورتی که منتهی به فرار یا ترك تحصیل گردد مطابق ماده ۸ از قانون فوق؛
- ۵- قصور در فراهم آوردن آموزش و پرورش همگانی؛

- ۶- قصور نظام آموزشی در برقراری هدف‌ها و برنامه‌های متناسب آموزشی و پرورشی؛
- ۷- قصور نظام آموزشی در دستیابی کارآمد نسبت به هدف‌ها و برنامه‌های نظام آموزشی (امین فر، ۱۳۶۵، ۸).

در صورت ورود ضرر ناشی از نقض حق آموزش طفل یا نوجوان و به استناد ماده ۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری؛ کلیه خسارات از جمله: فوت منافع ممکن‌الحصول (تبصره ۲)، ضررهای مادی و معنوی (صدر ماده و تبصره ۱)، از باب مسئولیت مدنی ناشی از جرم قابل مطالبه هستند؛ حتی اگر اصل جرم نیز اثبات نگردد. منظور از فعل زیانبار در مسئولیت مدنی مرتبط با نقض حق بر آموزش، هر فعل یا ترک فعلی است که مقصرانه بوده و از طریق نقض حق بر آموزش، منتهی به ضرر طفل یا نوجوان گردد؛ (کریم پور آل هاشم، ۱۴۰۳، ۱۸۰)

افعال زیانبار در تحصیل و آموزش را شاید نتوان احصاء کرد؛ چرا که هر نوع رفتاری که موجب افت تحصیلی، ترک تحصیل یا دیگر صدمات به حوزه‌ی آموزش گردد را می‌توان در این دایره قرار داد. همچنین افراد مسئول در ایراد این زیان‌ها نیز طیف گسترده‌ای را شامل می‌شود؛ بنابراین اولین چالش در این حوزه این است که در سیاست جنائی ایران، تعیین این دو مقوله یعنی فعل زیانبار و عامل خسارت می‌باشد.

۲-۲-۲-۲- ورود ضرر

ضررهای ناشی از ضمان قهری را به دو گروه کلی تقسیم نموده‌اند: ۱- مادی ۲- معنوی؛ در قانون مسئولیت مدنی طی مواد ۱ و ۲ به‌صراحت به ضرر مادی و معنوی و قابلیت جبران آن اشاره شده است.

صرف نقض حق بر آموزش بدون اینکه ضرری وارد شده باشد، نمی‌تواند منتهی به مسئولیت مدنی گردد. ضرر باید قابل جبران باشد، به این منظور باید اوصافی همچون مسلم، مستقیم و جبران نشده بودن، داشته باشد؛ ضرر مشتمل بر ضررهای مادی و معنوی است. ضررهای مادی مشتمل بر ضررهای جسمی و مالی و ضرر معنوی مشتمل بر تحمل رنج و درد و اختلالات روانی ناشی از نقض حق بر آموزش بوده (سلامی و همکاران، ۱۴۰۱، ۸۹)؛ برخی نیز خسارت معنوی را صدمات وارد به منافع عاطفی و غیرمالی دانسته‌اند.

خود بر دو نوع، جبران غیرنقدی خسارت (دادن بدل و مثل) و جبران نقدی (پرداخت پول)، است. (صفایی و ذاکری نیا، ۱۳۹۴، ۲۶۵).

همان‌گونه که گفتیم خسارت به دو دسته مادی و معنوی تقسیم می‌شود و در بحث نقض حق تحصیل نیز هردو این خسارات قابل تحقق است روش‌های متداول جبران خسارت معنوی بر اساس متون قانونی موجود بدین شرح است:

- ۱- موقوف نمودن یا از بین بردن منبع ضرر.^۱
- ۲- اعاده‌ی وضع به حالت سابق. (بازسازی).
- ۳- پرداخت مال یا مابازاء مادی به خسارت‌دیده.^۲ (پرداخت غرامت).
- ۴- توانبخشی.
- ۵- جلب رضایت.
- ۶- تضمین عدم تکرار.

تمامی این شیوه‌های جبرانی در مورد نقض حق تحصیل و ایجاد خسارات به آن‌ها را می‌توان قابل اجرا دانست؛ با این حال جبران کامل خسارت کامل ناممکن است. نتیجتاً سیاست جنائی ایران در حمایت از نقض حق تحصیل و به طور کلی نظام مسئولیت مدنی در خصوص جبران زیان‌های وارده و عدالت ترمیمی، نواقص زیادی دارد. نمی‌توان به مقررات خاصی در این خصوص اشاره کرد. رویه‌ی قضائی نیز در این خصوص از غنای کافی برخوردار نیست و آرای قابل اعتنایی در این رابطه وجود ندارد.

۳- راهکارهای سیاست جنائی واکنشی در حمایت از حق تحصیل

سیاست جنائی واکنشی ایران در قبال جرایم حوزه‌ی تحصیل، دارای چالش‌های اساسی در دستیابی به اهداف خود می‌باشد. رویه‌ی قضائی ایران، به جهت افتراقی نبودن مقررات دادرسی و نیز عدم تخصص مقامات رسیدگی کننده در این حوزه نمی‌تواند پاسخ مناسبی

۱- ذیل ماده ۸ قانون مسؤلیت مدنی مقرر می‌دارد: ... شخصی که در اثر انتشارات مزبور یا سایر وسایل مخالف با حسن نیت، مشتریان کم و یا در معرض از بین رفتن باشد، می‌تواند موقوف شدن عملیات مزبور آر خواسته و در صورت اثبات تقصیر زیان وارده را از وارد کننده مطالبه نماید

۲- ماده ۱۰ ق.م.م

به رفتارهای مجرمانه ارائه کند. در این گفتار به بررسی راهکارهای سیاست جنائی واکنشی در حمایت از حق تحصیل خواهیم پرداخت.

سیستم کیفری ایران برای مواجهه مؤثرتر با معضلات جرم، نیاز به تحولاتی مبتنی بر تجارب عملی و واقعی دارد. این تحول می‌تواند شامل اصلاحات قانونی، بهبود رویه‌های قضائی، و استفاده از راهبردهای پیشگیرانه مبتنی بر شواهد و تجربیات موفق دیگر کشورها باشد. به عبارت دیگر، تنها تکیه بر قوانین و مقررات جدید بدون توجه به تجربیات عملی و روندهای آزمایش شده در دیگر نظام‌ها نمی‌تواند منجر به کاهش جرم شود، بلکه لازم است این تجارب در بستر بومی‌سازی به‌کار گرفته شوند تا راهکارهای مؤثرتری در کاهش بزهکاری در ایران فراهم گردد (جوان بخت، شیخ الاسلامی، ۱۴۰۳، ۷). محاکم قضایی در رسیدگی به جرایم حوزه‌ی آموزش و تحصیل، در تعیین سیاست جنائی نقش مهمی دارند و حتی نوع عملکرد آنان می‌تواند به عنوان یکی از مهمترین عوامل در حقوق کیفری نقش مهمی داشته باشند. به همین دلیل است که حقوق‌دانان کیفری، سیاست‌های جنایی تقنینی در زمان را در برابر نسبی بودن سیاست جنایی قضایی در زمان و مکان قرار داده‌اند. (لازرز، ۱۳۷۵، ۱۲۱)

اساس سیاست جنایی قضایی یک کشور را باید در نحوه اجرای قوانین و نیز محصول کار قوه قضاییه شامل عملکرد تصمیمات و احکام صادره‌ی دادگاه‌ها ملاحظه کرد. (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۰، ۱۸۶) اصول حاکم بر سیاست جنائی قضائی در حوزه رسیدگی در دادگاه‌ها، با در نظر گرفتن و لحاظ شرایط، مبانی و ایدئولوژی‌های حاکمیتی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی است. با در نظر گرفتن قواعد سیاست جنائی واکنشی در قبال نقض حق تحصیل در پرتو رویه‌ی قضائی، راهکارهای ذیل در این حوزه قابل ذکر هستند:

۳-۱- توسعه‌ی جهات شروع به تعقیب ناقضان حق تحصیل

شروع به تعقیب افرادی که مرتکب جرایم ناقض حق تحصیل می‌شوند عموماً با اعلام برخی از نهادهای مرتبط مانند آموزش و پرورش، بهزیستی، اورژانس اجتماعی و... محقق می‌شود. به جهت آنکه کودکان و نوجوانان از جمله‌ی مهم‌ترین گروه‌هایی هستند که مشمول این نقص قرار می‌گیرند، نمی‌توان انتظار داشت که خود به عنوان شاکی در این رفتارهای

مجرمانه اقدام کنند. در نتیجه جهات شروع به تعقیب این جرایم صرفاً به اعلام و گزارش افراد مسئول و کشف جرم توسط مقامات قضائی محدود می‌شود. چالش اصلی در این حوزه، تعقیب اشخاص حقوقی، حقوق عمومی به ویژه دولت و نهادهای دولتی است؛ طبق تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی، اشخاص حقوقی دولتی و عمومی غیردولتی در اعمال حاکمیتی فاقد مسئولیت کیفری می‌باشند؛ مطابق مواد ۸ و ۹ قانون مدیریت خدمات کشوری ۱۳۸۶، آموزش و پرورش در دسته‌ی اعمال حاکمیتی قرار می‌گیرد. (حسینی و جاوید، ۱۴۰۳، ۱۱۴)

پلیس نیز به عنوان یک مرجع رسمی در برابر کنترل پدیده مجرمانه اعم از پیشگیری و اجرای کیفر انجام وظیفه می‌کند. در حوزه‌ی تحصیل و آموزش و رفتارهای مجرمانه‌ای که در این حوزه رخ می‌دهد، نقشی برای ضابطان خاص در این حوزه وجود ندارد. در جرایم حوزه‌ی حق تحصیل می‌توان با بهره‌گیری از ظرفیت مردمی و مشارکتی، شهروندان را در قالب مشارکت جامعه‌ی درگیر فرآیند پیگیری و تعقیب نمود. ایجاد سامانه‌های گزارش-گیری و استفاده از انواع مختلف شیوه‌های اعلام جرم و تخلف در بستر فضای رایانه‌ای و الکترونیکی، می‌تواند در جهت کشف سریع و راحت‌تر جرایم، اقدامی موثر باشد.

۳-۲- افتراقی نمودن رسیدگی در پرتو مراجع اختصاصی و تخصصی

آموزه‌های جرم‌شناسی، بر ایجاد سیاست افتراقی در مبارزه با بزهکاری تأکید می‌کند. (آشوری و سایرین، ۱۴۰۱، ۳۲۸). با توجه به طرح عنوان جرم دولتی و مسئولیت کیفری

۱- ماده ۸- امورحاکمیتی: آن دسته از اموری است که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه گردیده و بهره مندی از این نوع خدمات موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود از قبیل الف - سیاستگذاری، برنامه ریزی و نظارت در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... سیاسی.

ماده ۹- امور اجتماعی، فرهنگی و خدماتی: آن دسته از وظایفی است که منافع اجتماعی حاصل از آنها نسبت به منافع فردی برتری دارد و موجب بهبود وضعیت زندگی افراد می‌گردد، از قبیل: آموزش و پرورش عمومی و فنی و حرفه‌ای، علوم و تحقیقات، درمان، توانبخشی، تربیت بدنی و ورزش، اطلاعات و ارتباطات عمومی و امور فرهنگی، هنری و تبلیغات اسلامی.

و مدنی حاکمیت در نقض حق تحصیل، نقض حقوق خانوادگی اولیای صغار و ورود به حوزه‌ی فرهنگ، نیاز به یک دادرسی افتراقی مبتنی بر اصول عدالت ترمیمی ضروری است.

یکی از مهمترین حوزه‌هایی که نیاز به یک دادرسی افتراقی برای ایجاد نظم و آرامش در محیط تحصیلی دارد، رسیدگی به رفتارهای مجرمانه و منحرفانه‌ای است که از سوی جمعیت بزرگ دانش‌آموزی ارتکاب می‌یابد و روز به روز در حال گسترش و فراوانی است و در حال تبدیل شدن به آسیب‌های اجتماعی برای این گروه سنی است که می‌تواند زیان‌های مستقیم و غیر مستقیمی برای اجتماع به همراه داشته باشد.

از جنبه‌ی صلاحیت ذاتی رسیدگی به دعاوی ناشی از جرائم مذکور، در صلاحیت دادگاه‌های عمومی کیفری است. از جهت اشخاص مرتکب جرایم حوزه‌ی آموزش و تحصیل نیز می‌توان گفت که ارتکاب این جرایم می‌تواند توسط اشخاص خاص مانند نظامیان، روحانیون و یا مقامات ارشد کشوری باشد که از جهت صلاحیت رسیدگی به جرایم آنان، در صلاحیت محاکم عمومی بوده و تابع قواعد عام دادرسی کیفری است.

سیاست جنائی قضایی ایران در جرایم حوزه‌ی آموزش در ابعاد شکلی، در انجام وظایف خود در اتخاذ تدابیر لازم در خصوص ارائه پاسخ‌های دولتی جهت کنترل و مقابله با پدیده‌ی مجرمانه، بدون چالش نیست. وجود قوانین و مقررات پراکنده در این حوزه سبب سردرگمی نهادهای قضایی می‌شود. جهت بررسی نقاط قوت و ضعف نظام دادرسی و قضائی ایران در رسیدگی به جرایم حوزه‌ی آموزش می‌توان با نگاهی تطبیقی به قوانین سایر کشورها، اقدام به ارزیابی نقاط قوت و ضعف آن در ایران نمود.

۳-۳- ایجاد سازوکار متناسب برای جبران خسارت بزه دیده‌گان

بزه‌دیده یا قربانی جرم، شخصی است که به دنبال رویداد یک جرم، مورد آسیب، زیان و آزار قرار گرفته است (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰، ۱۲۵) بزه‌دیده باید از حمایت‌های مختلفی برخوردار باشد: جبران خسارت، آگاه‌سازی (طیب زاده، ۱۴۰۱، ۸۹) حق شکایت، حق

کرامت انسانی، اعاده حیثیت، استرداد اموال، دریافت غرامت و مساعدت پزشکی، روانشناسی و اجتماعی (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ۴)

شیوه‌های جبران زیان در سیاست کیفری ایران در جرایم حوزه‌ی تحصیل و آموزش به گونه‌ای پیش‌بینی نشده است که بتواند زیان محرومان از تحصیل عادلانه و باکیفیت را جبران نماید. جبران خسارت افراد و نیز جامعه موضوعی است که تقریباً غیرممکن به نظر می‌رسد از این نظر که تعداد زیان‌دیدگان، میزان زیان و مدت برای محاسبه‌ی خسارت تاخیر تادیه چندان مشخص نیست. جبران خسارت کامل امکان‌پذیر نیست و این مسئله آسیب‌های فراوانی به همراه دارد؛ مهمترین آن ناتوان‌سازی شهروندان از تحصیل، محروم کردن جامعه از افراد با دانش و نشر بی‌عدالتی است.

دیوان اروپایی حقوق بشر در این خصوص رویه‌ای غنی دارد که واجد استدلال‌های خاصی بوده و می‌تواند راهنمای رویه قضائی در حمایت از حق تحصیل بر مبنای اعاده‌ی وضع به حالت سابق باشد^۱. در رای صادره دیوان، مسئولیت جبران زیان را بر عهده‌ی دولت نهاده است و شیوه‌ی این جبران نیز برقراری حق تحصیل می‌باشد که بهترین شیوه‌ی جبران زیان خواهد بود. در سیاست جنائی قضائی ایران، پاسخ‌ها به پدیده‌ی مجرمانه صرفاً با دیدگاه کیفر مرتکب بوده و رویکرد جبران زیان و عدالت ترمیمی را دنبال نمی‌کند.

^۱ - دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده ی ولیو ولو علیه بلغارستان اعلام کرد: زندانیانی که به طور قانونی بازداشت شده اند، به استثنای حق آزادی، از کلیه حقوق و آزادیهای اساسی تضمین شده توسط کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بهره مند می شوند. در این پرونده دولت برای توجیه محرومیت خواهان از مدرسه به سه دلیل مختلف استناد کرده بود. در مورد اولین استدلال آنها مبنی بر نامناسب بودن حضور متقاضی در مدرسه با زندانیان محکوم، دادگاه مشاهده کرد که متقاضی هیچ اعتراضی ندارد و هیچ مدرکی که نشان دهنده آسیب دیدن زندانیان بازداشت شده از طریق حضور در مدرسه با زندانیان محکوم وجود ندارد. علاوه بر این، دادگاه عدم قطعیت مدت بازداشت موقت را توجیه معتبری برای محرومیت از مراکز آموزشی ندانست. سرانجام، با توجه به استدلال سوم دولت مبنی بر اینکه خواهان به مجازات جبران مجدد جرم محکوم می شود، بنابراین به نفع زندانیان غیرقابل جبران نخواهد بود که با او به مدرسه بروند، دیوان یادآوری کرد که متقاضی حق فرض بی گناهی دارد و بنابراین نمی توان آن را به عنوان یک جبران کننده مجدد طبقه بندی کرد. با توجه به این ملاحظات، و با تأیید علاقه خواهان به اتمام تحصیلات متوسطه، دیوان دریافت که امتناع از ثبت نام وی در مدرسه زندان به اندازه کافی قابل پیش بینی نبوده است، هدف قانونی را دنبال نکرده یا متناسب با آن هدف بوده است. در نتیجه دیوان در این باره رای به تخلف دولت داد. همچنین دیوان دولت بلغارستان را به پرداخت ۲۰۰۰ یورو در قبال خسارت غیر معنوی محکوم کرد.

(<https://hudoc.echr.coe.int/eng/#f%22itemid%22:%22001-144131%22>)

نتیجه گیری

پدیده‌های مجرمانه در حوزه‌ی تحصیل و آموزش، اعم از جرایم و انحرافات سرپرستان صغار، نهادهای دولتی، متولیان آموزش و ... می‌باشد. این رفتارها سبب ایجاد زیان‌های مادی و معنوی برای افراد و اجتماع به سبب می‌گردد که مهمترین این خسارات عبارتند از: از بین رفتن فرصت‌های شغلی و اجتماعی، محروم ساختن جامعه از داشتن افراد توانمند، گسترش آسیب‌های اجتماعی و ... واکنش سیاست جنائی ایران به این رفتارهای زیان‌آور به شکل ضمانت اجراهای کیفری، مدنی و اداری تدوین یافته است.

ضمانت اجراهای کیفری عمدتاً نسبت به افرادی که مانع از تحصیل اطفال و نوجوانان هستند اعمال می‌شود و مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و دولت مطرح نیست. سیاست کیفری حداقلی در این حوزه سبب بی‌کیفرمانی بسیاری از رفتارهای مجرمانه و منحرفانه شده و حمایت کیفری به شکلی کامل محقق نشده است.

ضمانت اجراهای مدنی و اداری در حمایت از حق تحصیل و ابزارهای آن، متکی به قواعد عام مسئولیت مدنی می‌باشد؛ عدم امکان تعیین نوع و میزان زیان وارده، نامشخص بودن عاملان زیان و غیرقابل جبران بودن زیان‌های وارده به سبب نقض حق تحصیل را می‌توان به عنوان مهم‌ترین چالش‌ها در حوزه‌ی واکنش غیرکیفری به نقض حق تحصیل دانست.

بهره‌گیری از ظرفیت سیاست جنائی قضایی برای اعمال نظام کیفری متناسب در قبال جرایم حوزه‌ی تحصیل و آموزش، اعاده‌ی وضع به حالت سابق با برقراری حق تحصیل برای محرومان، تعریف جرم دولتی برای نقض حق تحصیل و تعقیب نهادهای عمومی حقوقی از این بابت، افتراقی سازی دادرسی در حوزه‌ی جرایم آموزشی و فرهنگی به عنوان مهمترین راهکارها در اعمال واکنش‌های سیاست جنائی و در راستای عدالت ترمیمی می‌تواند سودمند باشد.

فهرست منابع

۱. اعزازی، محمدرضا، واحدجویاری، احسان، سماواتی، امیر. (۱۴۰۱). نظام کیفرگزینی ایران در رسیدگی به جرایم علیه حقوق و تکالیف خانوادگی. فصلنامه قضاوت، دوره ۲۲، شماره ۱۱۱، صص ۵۲-۷۴.
۲. الهام، غلامحسین و دربین، مهدی. (۱۴۰۲). حدود صلاحیت قضات محاکم در مجازات اعمال غیرقانونی مقامات و مأموران حکومتی مستند به مقررۀ خلاف قانون. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۵۳ (۴)، ۱۷۶۳-۱۷۸۱. doi: 10.22059/jplsqs.2021.304286.2462
۳. امامی، سید حسن (۱۳۹۴) حقوق مدنی، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۴. امین فر، مرتضی (۱۳۶۵) افت تحصیلی یا اتالف در آموزش و پرورش، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۷ و ۸.
۵. بیگدلی، سعید (۱۳۹۰) مشکلات و خلأهای قانونی نهاد حضانت در نظام حقوقی ایران، مجله فقه و حقوق خانواده ۵۵،
۶. توسلی نایینی، منوچهر و قاسمی، آرین. (۱۳۹۲). ضمانت اجرای کیفری نقض حقوق و آزادی‌ها در ج.ا.ا: بررسی و نقد ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات). حقوق اساسی، ۱۰ (۲۰)، ۱۷۵-۲۰۰.
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۶۴) ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش.
۸. جعفری، اسماعیل؛ حاجی تبار فیروز جانی، حسن و نبی پور، محمد (۱۴۰۱) مبانی و جلوه‌های، اصل حداقل سازی نظام کیفری در حقوق ایران. ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره ۵، شماره ۱۱، صص ۹۶-۱۱۸.
۹. جوان بخت، محمد و شیخ الاسلامی، عباس. (۱۴۰۳). تجربه محوری در نظام عدالت کیفری: راهکاری برای بهبود اثربخشی سیاست جنائی. دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۱۱ (۱)، ۷-۳۵.
۱۰. حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۸۵) بایسته‌های تقنین، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۱. حسینی، محمدسعید و جاوید، محمدجواد (۱۴۰۳). امکان سنجی تعقیب کیفری و حقوقی مقامات حکومتی در نقض حق سلامتی شهروندان (با تأکید بر کروناویروس). (فصلنامه تمدن حقوقی، دوره ۷، شماره ۱۹).
۱۲. حکمت‌نیا، محمود و دیگران (۱۳۸۸) فلسفه حقوق خانواده؛ مبانی و منابع، شورای فرهنگی اجتماعی زنان.

۱۳. خداداد کاشی فرهاد، جاویدی ابراهیم (۱۳۹۱) اثر آموزش بر جنبه‌های مختلف فقر در مناطق شهری و روستایی ایران رفاه اجتماعی، دوره ۱۲، شماره ۴۶، صص ۹۳-۱۲۱.
۱۴. خواجه نوری، یاسمن و نیازپور، امیرحسن. (۱۴۰۳). کنشگری پیشگیرانه پلیس در «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» ۱۳۹۹، دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۱(۲). ۱۵۰-۱۸۴.
۱۵. دارابی، شهرداد، (۱۳۹۹). سیاست جنائی ترکیبی ایران در برابر بزهکاری زیست محیطی. آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۱۷، شماره ۳۷، صص ۶۹-۹۸.
۱۶. درویشی، بابک؛ زینالی، امیرعلی (۱۳۹۳) ماهیت ضمانت اجراهای اداری در نظام حقوقی ایران، مجله تحقیقات حقوقی بین‌المللی، مقاله ۲، دوره ۷، شماره ۲۵، صفحه ۳۶-۷۴.
۱۷. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰)، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، چاپ دوم، تهران: نشر دادگستر.
۱۸. رحمدل، منصور (۱۳۹۴) تناسب جرم و مجازات، تهران: انتشارات سمت.
۱۹. رفاعی، غزاله، (۱۳۹۹)، قلمرو نظارت دولت بر حق و تکلیف والدین کودک بر حضانت (نگهداری)، فصلنامه حقوق ملل، شماره ۳۹، صص ۵۳۹-۵۸۲.
۲۰. سیفی قره‌یتاق، داود، اسلامی نیا، قاسم (۱۴۰۱). قلمرو و مبانی جرم‌اهمال در حضانت در نظم حقوق کیفری ایران. مطالعات راهبردی زنان، دوره ۲۵، شماره ۹۸، صص ۲۷-۶۰.
۲۱. شکوهی پویا، مرتضی، الممیر، محمود، و شادمان فر، محمدرضا. (۱۳۹۹). سیاست جنائی ایران در قبال جرایم کارکنان دولت. کارآگاه، دوره ۱۳، شماره ۵۲، صص ۳۰-۴۶.
۲۲. شیخ‌الاسلامی، عباس (۱۳۸۰) بررسی تطبیقی سیاست جنائی جمهوری اسلامی ایران و انگلستان در جرایم مطبوعاتی، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲۳. صفایی، سید حسین و ذاکری نیا، حانیه (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی شیوه‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی غیر قراردادی. مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۵، شماره ۲، صص ۲۶۵-۲۸۳.
۲۴. ضیایی چاهگاهی، سیدیاسر، جمشیدی، علیرضا و آشوری، محمد (۱۴۰۱) افتراقی شدن دادرسی کیفری جرایم اشخاص حقوقی؛ مبانی، ضرورت و ضوابط. مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۶، شماره ۱۱۹، صص ۲۹۵-۳۲۶.
۲۵. طبیب زاده، پونه (۱۴۰۱). اثر بخشی آموزه‌های عدالت ترمیمی بر وضعیت بزه‌دیدگان در جوامع انتقالی. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، دوره ۲۷، شماره ۹۸، صص ۸۳-۱۰۰.
۲۶. علیشاهی، ابوالفضل، معالی، مهدیه، عباسی اول، بهنام، بهمن پوری (۱۴۰۱) بررسی مبانی فقهی حقوقی لزوم حمایت کیفری از حق تحصیل کودکان، مطالعات فقهی - حقوقی زن و خانواده، سال پنجم، شماره نهم. صص ۵۶-۸۴.

۲۷. غفاریان، محمد و ساسانی، ولی. (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی تخلفات کارکنان آموزش و پرورش ایران انگلستان و جمهوری آذربایجان. فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی عدل و انصاف، دوره ۱، شماره ۱، صص ۴۶-۷۳.
۲۸. غلامی، نبی‌اله (۱۳۹۸). پیشگیری از جرایم حکومتی در پرتو مولفه‌های حکمرانی خوب، رساله دکتری، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
۲۹. غلامی، نبی‌اله. (۱۴۰۱). جرم حکومتی یا جرم دولتی؛ تفاوتی لفظی یا اختلافی مبنایی. پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره ۱۰، شماره ۱۹، صص ۲۶۱-۲۳۷.
۳۰. فروتن، رضا، و امام، سیدمحمدرضا. (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی اصل فردی کردن مجازات‌ها در فقه جزایی اسلام و حقوق ایران با نگاهی به تحولات قانون مجازات اسلامی. فقه جزای تطبیقی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۶۷-۸۲.
۳۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴). الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری. تهران: دانشگاه تهران.
۳۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۱). دوره حقوق مدنی خانواده، تهران: گنج دانش.
۳۳. کریم‌پور آل‌هاشم، سید محمد تقی (۱۴۰۳). مسئولیت مدنی اولیاء و سرپرستان ناشی از نقض حق بر آموزش اطفال و نوجوانان، نشریه پژوهش‌های برنامه‌ریزی درسی و آموزشی، سال چهاردهم شماره ۱، صص ۱۷۳ تا ۱۸۳.
۳۴. گرجی‌ازندریانی، علی‌اکبر (۱۳۹۷). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جزوه‌ی درسی حقوق اساسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۳۵. لازرژ، کریستین (۱۳۷۵). سیاست جنائی، ترجمه‌ی علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر یلدا.
۳۶. محمدحسینی حاجی‌ور، یوسف (۱۳۹۶). مسئولیت مدنی وزارت آموزش و پرورش در قبال افت تحصیلی دانش‌آموزان، مجله‌ی پژوهش در فقه و حقوق، شماره ۴، صص ۶۰-۷۳.
۳۷. محمودی‌جانکی، فیروز و طاهری، سمانه، (۱۳۹۹). ضرورت پیاده‌سازی الگوی کیف‌دهی رهنمود محور در تعزیرات، فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، شماره ۵۰.
۳۸. مظهری، محمد، جنگجوی (خراطا) فرزاد، ناصری، علی‌رضا (۱۳۹۴). تحلیلی بر تعدیات مأمورین دولتی از حدود اعمال قدرت رسمی موضوع ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی. حقوق اداری، ۲ (۷) ۵۶-۳۳.
۳۹. مهرا، نسرین؛ مؤذن، عباس و قورچی بیگی، مجید. (۱۳۹۶). تحلیل تطبیقی الگوهای کیف‌دهی در نظام کیفری ایران و انگلستان. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۶، شماره ۲۰، صص ۱۰۵-۱۴۰.
۴۰. میری، دلمای مارتی (۱۴۰۲). نظام‌های بزرگ سیاست جنائی، تهران: میزان.
۴۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۴). عدالت ترمیمی در اسناد بین‌المللی، [دیباچه] در: هنریک کاپتین، جرم، بزه‌دیده، عدالت، ترجمه: سماواتی (پیروز)، انتشارات حقوقی خلیلیان.

Resources

1. Azazi, Mohammad Reza, Vahedjouybari, Ehsan, Samavati, Amir. (1401). Iran's Penal System in Addressing Crimes Against Family Rights and Duties. *Judiciary Quarterly*, Volume 22, Issue 111, pp. 52 – 74. (in Persian)
2. Elham, Gholamhossein and Darbin, Mehdi. (1402). The Limits of the Jurisdiction of Court Judges in Punishing Illegal Acts of Government Officials and Agents Based on Unlawful Regulations. *Tehran University Public Law Studies Quarterly*, 53 (4), 1763-1781. doi: 10.22059/jplsq.2021.304286.2462. (in Persian)
3. Emami, Seyyed Hassan (2015) *Civil Law*, Tehran: Islamieh Bookstore. (in Persian)
4. Aminfar, Morteza (1986) Educational failure or loss in education, *Education and Training Quarterly*, No. 7 and 8. (in Persian)
5. Bigdali, Saeed (2011) Problems and legal gaps of the institution of guardianship in the Iranian legal system, *Journal of Jurisprudence and Family Law* 55, (in Persian)
6. Tavassoli Naini, Manouchehr and Ghasemi, Arian. (2013). Guarantee of criminal enforcement of violations of rights and freedoms in the Islamic Republic of Iran: Review and criticism of Article 570 of the Islamic Penal Code (Iranian Penal Code). *Fundamental Rights*, 10 (20), 175-200. (in Persian)
7. Jafari Langroodi, Mohammad Jafar (1985) *Legal terminology*. Tehran: Ganj Danesh Publications. (in Persian)
8. Jafari, Esmaeil; Hajitabar Firuz Jaei, Hassan and Nabipour, Mohammad (2012) Principles and manifestations of the principle of minimizing the penal system in Iranian law. *Iranian Political Sociology Monthly*, Volume 5, Issue 11, pp. 96-118. (in Persian)
9. Javan Bakht, Mohammad and Sheikh-ul-Islami, Abbas. (1403). Experience-centered in the criminal justice system: A strategy for improving the effectiveness of criminal policy. *Bi-Quarterly Journal of Research and Development in Criminal Law and Criminology*, 1(1), 7-35. (in Persian)
10. Haji Dehabadi, Ahmad (1385) *The Necessities of Legislation*, Publications of the Islamic Culture and Thought Research Institute. (in Persian)
11. Hosseini, Mohammad Saeed and Javid, Mohammad Javad (1403). Feasibility of Criminal and Legal Prosecution of Government Officials in

- Violating the Right to Health of Citizens (with Emphasis on Coronavirus). Legal Civilization Quarterly, Volume 7, Issue 19. (in Persian)
12. Hekmatnia, Mahmoud and Others (1388) Philosophy of Family Law; Foundations and Resources, Women's Social and Cultural Council. (in Persian)
13. Khodadad Kashi Farhad, Javidi Ebrahim (2012) The effect of education on various aspects of poverty in urban and rural areas of Iran Social Welfare, Volume 12, Issue 46, pp. 93 – 121. (in Persian)
14. Khajeh Nouri, Yasman and Niazpour, Amir Hassan. (2014). Preventive police activism in the “Children and Adolescents Protection Law” 2019, Bi-Quarterly Journal of Research and Development in Criminal Law and Criminology, 1(2). 150 – 184. (in Persian)
15. Darabi, Shahradd, (2019). Iran's Combined Criminal Policy Against Environmental Crime. Criminal Law Teachings, Volume 17, Issue 37, pp. 69 – 98. (in Persian)
16. Darvishi, Babak; Zeinali, Amir Ali (2014) The nature of administrative enforcement guarantees in the Iranian legal system, Journal of International Legal Research, Article 2, Volume 7, Issue 25, Pages 36-74. (in Persian)
17. Raijian Asli, Mehrdad (2011), Theology of Supportive Harassment, Second Edition, Tehran: Nashr-e-Dadgostar. (in Persian)
18. Rahmdel, Mansour (2015) Proportionality of Crime and Punishment, Tehran: Samt Publications. (in Persian)
19. Rifai, Ghazaleh, (2010), The Scope of State Supervision over the Rights and Obligations of Parents of Children on Custody (Maintenance), Quarterly Journal of International Law, Issue 39, Pages 539-582. (in Persian)
20. Seifi Ghareyataq, Davud, Eslami Nia, Ghasem (2012). The Scope and Foundations of the Crime of Negligence in Custody in the Iranian Criminal Law System. Women's Strategic Studies, Volume 25, Issue 98. pp. 27-60. (in Persian)
21. Shokoohi Pooya, Morteza, Malmir, Mahmoud, and Shadmanfar, Mohammad Reza. (2010). Iran's Criminal Policy Towards Government Employees' Crimes. Detective,, Volume 13, Issue 52, pp. 30-46. (in Persian)

22. Sheikh-al-Islami, Abbas (2001). Comparative Study of Criminal Policy of the Islamic Republic of Iran and England in Press Crimes, Mashhad: Jihad Daneshgahi Publications. (in Persian)
23. Safaei, Seyed Hossein and Zakerinia, Hanieh (2015). Comparative Study of Methods of Compensation for Damages in Non-Contractual Civil Liability. Private Law Studies, Volume 45, Issue 2, pp. 265- 283. (in Persian)
24. Ziaei Chahgahi, Sidiyasar, Jamshidi, Alireza and Ashouri, Mohammad (2012) Differentiation of Criminal Proceedings for Crimes of Legal Entities; Principles, Necessity and Criteria. Justice Legal Journal, Volume 86, Issue 119, pp. 295- 326. (in Persian)
25. Tabibzadeh, Puneh (2012). The Effectiveness of Restorative Justice Doctrines on the Status of Victims in Transitional Societies. Quarterly Journal of Judicial Law Perspectives, Volume 27, Issue 98, pp. 83-100. (in Persian)
26. Alishahi, Abolfazl, Maali, Mahdieh, Abbasi Awal, Behnam, Bahmanpouri (1401) Study of the jurisprudential foundations of the necessity of criminal protection of the right to education of children, Jurisprudential-Legal Studies of Women and Family, Year 5, Issue 9. pp. 56-84. (in Persian)
27. Ghaffarian, Mohammad and Sassani, Vali. (2018). Comparative study of violations of education employees in Iran, England and the Republic of Azerbaijan. Quarterly Journal of Comparative Law Research on Justice and Fairness, Volume 1, Issue 1, pp. 46-73. (in Persian)
28. Gholami, Nabi-Allah (2019) Prevention of government crimes in light of the components of good governance, PhD thesis, Tehran, Allameh Tabatabaei University. (in Persian)
29. Gholami, Nabi-Allah. (2018). State crime or state crime; a verbal difference or a fundamental difference. Research on criminal law and criminology, volume 10, issue 19, pp. 261 - 237. (in Persian)
30. Forotan, Reza, and Imam, Seyyed Mohammad Reza. (1400). A comparative study of the principle of individualizing punishments in Islamic criminal jurisprudence and Iranian law with a view to the developments of the Islamic penal code. Comparative Criminal Jurisprudence, volume 1, issue 1, pp. 67 - 82. (in Persian)
31. Katouzian, Naser (1995). Non-contractual obligations, compulsory guarantee. Tehran: University of Tehran. (in Persian)

32. Katouzian, Naser (1992). Family civil law course, Tehran: Ganj Danesh. (in Persian)
33. Karimpour Al-Hashem, Seyyed Mohammad Taghi (1403) Civil Liability of Parents and Guardians Due to Violation of the Right to Education of Children and Adolescents, Journal of Curriculum and Educational Planning Research, Year 14, No. 1, pp. 173 to 183. (in Persian)
34. Gorji Azandriani, Ali Akbar (1397) Fundamental Rights of the Islamic Republic of Iran, Fundamental Rights Textbook of the Faculty of Law, Shahid Beheshti University. (in Persian)
35. Lazerge, Christian (1375) Criminal Policy, translated by Ali Hossein Najafi Ab. (in Persian)
36. Mohammad Hosseini Hajivar, Yousef (2017) Civil liability of the Ministry of Education for students' academic failure, Journal of Research in Jurisprudence and Law, No. 4, pp. 60-73. (in Persian)
37. Mahmoudi Janaki, Firouz and Taheri, Samaneh, (2019) The necessity of implementing a guideline-based sentencing model in penal codes, Quarterly Journal of Criminal Law and Criminology Studies, No. 50. (in Persian)
38. Mazhari, Mohammad, Jangouhi (Kharata) Farzad, Naseri, Alireza (2015) An analysis of government officials' violations of the limits of official power, subject to Article 570 of the Islamic Penal Code. Administrative Law, 2 (7): 33-56. (in Persian)
39. Mehra, Nasrin; Moezin, Abbas and Ghorchibeigi, Majid. (2017). A comparative analysis of sentencing models in the penal systems of Iran and England. Quarterly Journal of Criminal Law Research, Volume 6, Issue 20, pp. 105 – 140. (in Persian)
40. Miri, Delmay Marti (1402) Major Systems of Criminal Policy, Tehran: Mizan. (in Persian)
41. Najafi Abranabadi, Ali Hossein (1384) Restorative Justice in International Documents, [Preface] in: Henrik Kaptin, Crime, Victimization, Justice, Translated by: Samavati (Pirouz), Khalilian Legal Publications. (in Persian)